



بیانات رهبر انقلاب در دیدار بسیجیان





بیانات رهبرانقلاب در دیدار بسیجیان



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا
ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين المعصومين
سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، بسیجیان عزیز.
همچنین خوشامد عرض میکنم به مجموعه‌هایی که در شهرهای دیگر
اجتماع کرده‌اند و این سخنان را می‌شنوند، ما هم تصویر آنها را اینجا
مشاهده میکنیم.

❖ بسیج؛ یادگار گران بهای امام برای کشور

درباره‌ی بسیج، سخن زیاد است. اجمالاً، بسیج یادگار گران بهای امام
برای کشور است. امام آفریننده‌ی بسیج و پدر بسیج است؛ در عین حال،
خود آن بزرگوار میگوید که من افتخار میکنم که یک بسیجی‌ام؛^(۲) شأن
بسیج این است. خب، از فرمایشات امام در باب بسیج، من چند نکته را
عرض میکنم.

❖ منطق بسیج؛ مقاوم سازی حداکثری کشور در مقابل تهدیدها و خطرها

نکته‌ی اول این است که منطق بسیج مقاوم سازی حداکثری کشور
در مقابل تهدیدها و خطرها است؛ منطق بسیج این است. امام (رضوان
الله علیه) با دوران‌دیشی تشخیص داد که برای آسیب ناپذیر شدن کشور
و ملت و انقلاب، نیاز مبرمی وجود دارد به یک نیروی گسترده‌ی عظیم
مردمی، چون انقلاب مال مردم است، کشور مال مردم است؛ بهتر از هر
عامل دیگری و هر عنصر دیگری، این مردمنده که میتواند از کشورشان و
از انقلابشان دفاع کنند، مشروط بر اینکه راه در مقابل آنها گذاشته بشود؛
این راه را امام مشخص کرد: بسیج. این منطق بسیج است. پس بسیج
برای حداکثر سازی امکان مقاومت کشور است، در مقابل هر خطری، در



مقابل هر تهدیدی؛ این منطق در ایجاد بسیج عامل اصلی بود، امروز هم همین منطق وجود دارد و این منطق به روز است. امروز هم وجود بسیج لازم است. با تفصیلی که حالا وجود دارد و من مختصری عرض میکنم. برای دفاع همه جانبه‌ی مادی و معنوی از هویت ملی، از امنیت کشور، از منافع مردم. در این چهل و چند سال، کارنامه‌ی بسیج هم تأیید میکند درست بودن این هدف‌گیری را، نشان میدهد دقیق بودن این دوراندیشی و روشن بینی امام را. عزیزان من! یک مواقعی در این کشور پیش آمد که حضور بسیج برای کشور سرنوشت ساز شد؛ یک نمونه‌اش دفاع مقدّس. قطعاً اگر بسیج مردمی نبود، نتیجه‌ی دفاع مقدّس غیر از آن چیزی میشد که اتفاق افتاد، چیز دیگری میشد. ماجرای دفاع مقدّس یک نمایش عظیم اقتدار مردمی این کشور در قالب بسیج است؛ در موارد دیگر هم اتفاق افتاده که حالا نمیخواهیم تفصیل بدهیم.

❖ «لشکر مخلص خدا» و «مدرسه‌ی عشق»؛ دو توصیف مهمّ امام خمینی رحمته الله علیه درباره‌ی بسیج

نکته‌ی بعدی این است که امام درباره‌ی بسیج توصیف‌های گوناگونی دارند. دو توصیف را من انتخاب کردم که به شما عرض بکنم. یک جا امام میگوید که «بسیج لشکر مخلص خدا است»؛^(۳) لشکر مخلص خدا! روی کلمات دقت کنید. یک جای دیگر امام میگوید «بسیج مدرسه‌ی عشق است».^(۴) خب، این دو توصیف را کنار هم بگذاریم. «لشکر مخلص خدا» نشان میدهد که بسیج رزمنده است؛ لشکر برای رزم است، برای جنگ است. «رزمنده بودن» یعنی چه؟ یعنی هم قدرت مادی و جسمانی داشتن، هم اراده و شجاعت روحی داشتن، هم تدبیر و ترفند جنگی بلد بودن. نمونه‌اش امیرالمؤمنین است؛ در مقابله‌ی با عمرو بن عبدود، هم قدرت بدنی‌اش را نشان میدهد، هم شجاعت و نترسی‌اش را نشان میدهد، هم حيله‌ی جنگی‌اش را نشان میدهد؛ به

عمرو بن عبدود میگوید «من و تو می‌جنگیم، اینها چه کسانی هستند؟» تا برمیگردد، حضرت میزند او را؛ حيله‌ی جنگی است دیگر، تدبیر جنگی است. پس «رزمنده بودن» یعنی قدرت مادی، قدرت روحی، قدرت فکری. بعد، «لشکر مخلص خدا»؛ یعنی چه؟ یعنی این ذخیره‌ی عظیم مغتنم، برای قدرت یابی شخصی نیست. لشکرهای دنیا برای چه به کار میروند؟ در چه راهی قدم بر میدارند و میرزمند؟ بسیج میرزند برای خدا، آن هم با اخلاص؛ به طور خالص متعلق به خدا است. پس بنابراین، این رزمندگی بسیج است و جنبه‌ی قدرت‌نمایی را نشان میدهد، «أَشِدَّاء» (۵) را نشان میدهد.

از آن طرف، مدرسه‌ی عشق است. بسیج عاشق است، دل‌باخته است، اما این عشق یک عشقِ هرزه‌پوی بی‌جهتِ بدمسیر نیست؛ این عشق در ظرفیت و قابلیت یک مدرسه است. ظرف او یک ظرف جهت‌دار و منظم است؛ یعنی چه؟ یعنی عشق به خدا، عشق به معنویت، عشق به مردم، عشق به راه؛ در جهتی که دارد حرکت میکند، عاشقانه حرکت میکند؛ «مدرسه‌ی عشق» یعنی این. نمیگوید بسیج عاشق است، میگوید بسیج مدرسه‌ی عشق است؛ عشق را با جهت مشخص تدریس میکند، تعلیم میدهد.

❖ اقدامات بسیج؛ نشان‌دهنده‌ی واقعیت داشتن توصیفات امام

خمینی عَلَيْهِ السَّلَام درباره‌ی بسیج

خب، این توصیفها لفاظی نبود، صرفاً ایده‌پردازی هم نبود؛ همه واقعیت داشتن اینها را دیدند، هم در میدان رزم، هم در میدان محبت. همه به چشم دیدیم بسیج چه کار میکند. در میدان رزم، ده‌ها هزار بسیجی مخلص و اغلب بی‌نام و نشان، کارهای کارستان انجام دادند، کارهای بزرگ انجام دادند، نقشهای تعیین‌کننده آفریدند. عزیزان من! شماها دوران جنگ را یادتان نیست، اما آثار دوران جنگ بعضاً منتشر

شده؛ اینها را بخوانید، ببینید چه کردند، چه جوری گذراندند، با چه نیتی وارد شدند، با چه عزمی اقدام کردند، چه جوری رفتند؛ نقشهای تعیین کننده آفریدند. البتّه قلّه‌هایی هم داشتند؛ قلّه‌ی بسیج سلیمانی است، صیّاد شیرازی است، همّت است، بابایی است؛ قلّه‌ی بسیج شیرودی است، شهید همدانی است و صدها نفر امثال اینها، از این چهره‌هایی که یکی از اینها را انسان نمیتواند در مجموعه‌های مدوّنی که از وضع ملّتهای دنیا هست مشاهده کند؛ آن اخلاص، آن گذشت، آن شجاعت. این میدان رزم است؛ این راهمه دیدند، این به چشم همه آمد. [در دفاع مقدّس،] شما میتوانید رزم بسیجی را مشاهده کنید؛ آنهایی که [بودند] از نزدیک دیدند. بعد هم در میدانهای بعدی؛ حالا شما دفاع مقدّس را ندیدید، امّا دفاع حرم را دیدید؛ میدانها و صحنه‌های دیگر هم بود، دیدید، مشاهده کردید که بسیج چه میکند. در میدان محبّت، خدمات مردمی بسیج در همه‌ی صحنه‌ها؛ در صحنه‌ی سازندگی، در صحنه‌ی سلامت، در بلایای طبیعی، در صحنه‌ی علم و پژوهش. شهید فخری زاده^(۶) - که سالگرد شهادت او است - یک بسیجی بود؛ مرحوم کاظمی آشتیانی^(۷) یک بسیجی بود؛ در صحنه‌ی علم، اینها مرزهای دانش را در کشور زیر و رو کردند؛ در میدان علم و دانش، بعضی‌هایشان از متوسط مرزهای جهانی هم عبور کردند. در میدان تبیین و بصیرت بخشی کارهای مهمی انجام گرفت. بنابراین، اینکه امام فرمود «لشکر مخلص خدا» و «مدرسه‌ی عشق»، در عرصه‌ی عمل، در روی زمین، نمونه‌هایش به طور واضح و آشکار دیده شد، همه دیدیم.

❖ بسیج؛ یک فرهنگ و یک تفکر

نکته‌ی سوّم: بسیج بیش از آنکه یک سازمان باشد، یک فرهنگ است، یک تفکر است. بنابراین، همه‌ی کسانی که این فرهنگ را پذیرفته‌اند، در این راه حرکت کرده‌اند، این تفکر را ممشای خودشان قرار داده‌اند، ولو داخل سازمان نباشند، بسیجی‌اند؛ و این یک جمع

کثیری از ملت ایران را شامل میشود، در حالی که در سازمان بسیج هم نه اسمشان هست، نه رسمشان هست. این فرهنگ چیست؟ فرهنگ بسیج مردمی بودن است، متعهد بودن است، احساس مسئولیت کردن است، در مقابل قضایای جاری کشور و مؤثر در آینده‌ی کشور بی تفاوت نبودن است؛ فرهنگ بسیجی انقلابی بودن است، قدر انقلاب را دانستن و معنای انقلاب را دانستن است؛ فرهنگ بسیجی قانون‌گریز نبودن است، نظم‌ناپذیر نبودن است، هنجارشکن نبودن است؛ اینها فرهنگ بسیجی است. بسیجی ممکن است به یک مطلبی، به یک واقعیتی، به یک شخصی معترض باشد؛ هیچ اشکالی ندارد، اما هنجارشکنی نمیکند، با دشمن - قبلاً هم گفته‌ام^(۸) - مخرج مشترک پیدا نمیکند.

فرهنگ بسیجی پرهیز از کار نمایشی و ویتروینی است؛ کارهای بی‌محتوایی که فقط برای نمایش دادن خوب است. [بسیجی] اگر چیزی هم داخل جعبه‌آینه و ویتروین میگذارد، یک چیز با معنا است، یک چیز با حقیقت است؛ آنچه نشان میدهد، پشتش یک معنایی وجود دارد، یک حقیقتی وجود دارد. [بسیجی] کار نمایشی نمیکند؛ همت میگذارد به کار واقعی، به حرکت واقعی. نمیدانم توجه کردید، دقت کردید به این گزارشی که فرمانده محترم بسیج گفت؟ در این مطالبی که گفته شد، خیلی مطلب بود؛^(۹) اینها واقعیت دارد، اینها کار واقعی است.

فرهنگ بسیجی ترحم به ضعیف است، شدت در مواجهه‌ی با ظالم است، خدمت به همه است؛ همه. آنجایی که سیل آمد، بسیجی تازانو داخل گل رفت و برای اینکه خانه‌ی سیل زده را پاک کند، تمیز کند، از صاحبخانه نپرسید شما اسمت چیست، دینت چیست، مذهبت چیست، قومیتت چیست، سلیقه‌ی سیاسی‌ات چیست؛ [اینها را] نپرسید، رفت خدمت کرد؛ هر چه هست، هر که هست. اینها مهم است.

فرهنگ بسیجی دوری از کبر و غرور است؛ این فرهنگ بسیجی است. انسانها، به حسب موقعیت، گاهی یک آبرویی پیدا میکنند، یک شخصیتی پیدا میکنند. اینکه ما به خودمان نگاه کنیم ببینیم به ما احترام میکنند، برای ما شعار میدهند، ما را جلو می اندازند، از ما تعریف میکنند، [لذا] به خودمان مغرور بشویم، کبر بورزیم، خودمان را برتر و بالاتر بدانیم، این ضد فرهنگ بسیجی است. امام سجاد در صحیفه ی سجّادیه در دعای مکارم الاخلاق این را به ما یاد میدهد: لا ترفعی فی الناس درجَةً إِلَّا حَظَّتْ نِیَّ عِنْدَ نَفْسِی؛^(۱۰) هر مقداری که در بین مردم قدّتان بلند شد، پیش خودتان کوچک بشوید، در نفس خودتان دچار غرور نشوید.

فرهنگ بسیجی دوری از طلبکاری است؛ اینکه ما از انقلاب و از کشور و از دولت و از مردم و از همسایه و از دوست و آشنا و از همه طلبکار باشیم، خودمان را بدهکار ندانیم، فرهنگ بسیجی نیست. بسیجی طلبکار نیست؛ خود را موظف میدانند، تکلیف گرا است، دنبال اداء وظیفه است. بسیجی از توانایی های سازمانی به نفع خودش استفاده نمیکنند. آن که در سازمان بسیج هست، این توانایی ای که سازمان به او میدهد یک امانت است در دست او؛ این امانت را با کمال عفت حفظ میکند، امین است.

❖ امام خمینی علیه السلام؛ واجد تمام خصوصیات تفکر بسیجی

اینها درس هایی است برای ما. امام که میگفت من افتخار میکنم که یک بسیجی ام، همه ی این خصوصیات را داشت. این چیزهایی که من الان گفتم، در وجود امام مجسم بود: همیشه خود را بدهکار میدانست، همیشه خود را ضعیف میدانست، همیشه مردم را از خودش بالاتر میدانست؛ همین جوانهایی که می آمدند دستش را میبوسیدند، اشک میریختند، امام اینها را از خودش بالاتر میدانست؛ تا آنجایی که

ما شناختیم امام را و ما از نزدیک دیدیم امام را، عمر امام لحظه‌ای در راه خدمت به شخصیت خود، عنوان خود، مرجعیت خود، ریاست خود مصرف نشد.

❖ تشکیل هسته‌های مقاومت جهانی؛ نمایانگر جنبه‌ی فراملی و فرامرزی بسیج

نکته‌ی بعدی که نکته‌ی چهارم است و خیلی هم مهم است، جنبه‌ی فراملی و فرامرزی بسیج است؛ این هم در بیان امام هست. ملاحظه کرده‌اید که امام تعبیر میکند به «هسته‌های مقاومت جهانی»؛^(۱۱) این همان بسیج است؛ بسیج ما نیست، بسیج خودشان است، اما همان فرهنگ است. این تشکیل هسته‌های مقاومت جهانی تحقق پیدا کرد؛ یعنی الان شما نمونه‌هایش را در منطقه‌ی خودمان دارید مشاهده میکنید. حالا «باش تا صبح دولت‌ش بدمد / کاین هنوز از نتایج سحر است».^(۱۲) در منطقه شما ملاحظه میکنید همان هسته‌های مقاومتی که امام خبرش را داده بود، بشارتش را داده بود، امروز در حال تعیین سرنوشت این منطقه‌اند؛ سرنوشت این منطقه‌ی ما را هسته‌های مقاومت دارد تعیین میکند؛ یک نمونه‌اش همین «طوفان الاقصی» است که حالا عرض خواهم کرد.

❖ ناکامی طرح آمریکایی «خاورمیانه‌ی جدید» به خاطر وجود هسته‌های مقاومت جهانی

چند سال پیش، در قضیه‌ی لبنان، آمریکایی‌ها گفتند که دنبال تشکیل خاورمیانه‌ی جدیدند.^(۱۳) «خاورمیانه» یعنی همین غرب آسیا. غربی‌ها، اروپایی‌ها و دنباله‌روهایشان دوست دارند همه چیز را نسبت به اروپا بسنجند: آنچه نزدیک به اروپا است خاور نزدیک است، آنچه وسط است خاور میانه است، آنچه دور از اروپا است خاور دور است؛ یعنی محور سنجش، اروپا است. از آن غلط‌هایی است که اینها

کرده‌اند، دیگران هم یاد گرفته‌اند و به زبانشان می‌آید. [«خاورمیانه» یعنی] غرب آسیا. گفتند می‌خواهند به این منطقه... که اسمش را گذاشته‌اند «خاورمیانه». یک نقشه‌ی جدیدی بدهند؛ «خاورمیانه‌ی جدید» یعنی [اینها] یک نقشه‌ی جغرافیای سیاسی نویی بدهند؛ بر چه اساسی؟ بر اساس تأمین نیازها و منافع نامشروع آمریکا. البته آنچه آنها می‌خواستند و دنبالش بودند ائتلاف نیفتاد. آنها خواستند «حزب الله» را نابود کنند؛ در نقشه‌ی جدیدی که داشتند، یکی از اهدافشان این بود: نابودی «حزب الله». بعد از جنگ سی و سه روزه، «حزب الله» ده برابر قوی‌تر شد. حالا من که می‌گویم «ده برابر»، چون احتیاط می‌کنم؛ ولی بیش از اینها قوی‌تر شد. آنها خواستند عراق را ببلعند، نتوانستند. ماجرای عراق ماجرای عجیبی است. تصمیم آمریکایی‌ها این بود که حکومت آمریکایی در عراق بر سر کار بگذارند؛ یک ژنرال آمریکایی^(۱۴) را در رأس کار گذاشتند، بعد که دیدند با ژنرال آمریکایی کار پیش نمی‌رود، او را گذاشتند کنار، یک غیر نظامی آمریکایی^(۱۵) را بر سر کار آوردند که این رئیس عراق باشد؛ رئیس جمهور یا سلطان عراق به عنوان یک کشور، یک آمریکایی باشد! بعد دیدند نمی‌شود، یک عراقی وابسته‌ی به خودشان^(۱۶) را گذاشتند؛ آن هم نشد و پیش نرفت، تا امروز. امروز هسته‌های مقاومت در عراق، در قضیه‌ی فلسطین وارد میشوند و دولت عراق با قدرت موضع می‌گیرد؛ یعنی آن چیزی که آمریکایی‌ها اسمش را گذاشته بودند «خاورمیانه‌ی جدید»، ۱۸۰ درجه با این چیزی که امروز هست تفاوت دارد. آنها می‌خواستند عراق را یکجا ببلعند و نتوانستند، نشد. آنها می‌خواستند سوریه را قبضه کنند، عوامل نیابتی خودشان را به اسم «داعش» و «جبهة النصرة» و از این حرفها انداختند به جان دولت سوریه، حدود ده سال هم مدام تزریق کردند، پشتیبانی کردند، پول دادند، امکانات دادند، نشد.



ناکام شدند؛ [در تحقق] خاورمیانه‌ی جدیدی که آنها میخواستند درست کنند، بکلی ناکام شدند. یکی از اجزای آن خاورمیانه این بود که مسئله‌ی فلسطین را به نفع رژیم غاصب تمام کنند تا اصلاً چیزی به نام فلسطین دیگر باقی نماند؛ همان [طرح] دودولتی خائنانه‌ای را هم که قبلاً تصویب کرده بودند، زیرش زدند؛ نتوانستند، نشد. حالا شما امروز ببینید موقعیت فلسطین با بیست سال پیش چقدر تفاوت کرده! بیست سال پیش فلسطین چه بود، امروز چیست؛ حماس بیست سال پیش چه بود، امروز چیست. بله، جغرافیای سیاسی منطقه در حال دگرگونی اساسی است، اما نه به نفع آمریکا، [بلکه] به نفع جبهه‌ی مقاومت. بله، نقشه‌ی جغرافیای سیاسی غرب آسیا عوض شد، اما به نفع مقاومت؛ مقاومت پیروز شد. امام درست فهمیده بود، درست تشخیص داده بود. هسته‌های مقاومت توانسته‌اند جهت حرکت را به نفع خودشان تغییر بدهند و عوض کنند.

❖ خصوصیات جغرافیای سیاسی جدید غرب آسیا: نفی سلطه‌ی آمریکا بر منطقه

این نقشه‌ی جدید خصوصیاتش دارد؛ من بعضی از خصوصیاتش را به شما میگویم. این نقشه‌ی جدیدی که برای این منطقه دارد بتدریج حاکمیت پیدا میکند، چند خصوصیت دارد. خصوصیت اولش آمریکازدایی است. («آمریکازدایی») یعنی چه؟ یعنی نفی سلطه‌ی آمریکا بر منطقه. معنایش قطع رابطه‌ی سیاسی با آمریکا نیست؛ نه اینکه حالا ما توقع داشته باشیم یا تصور کنیم که دولتهای منطقه [با آمریکا] قطع رابطه‌ی سیاسی کنند؛ نه، رابطه‌ی سیاسی و اقتصادی با همه دارند، با آمریکا هم دارند، داشته باشند؛ اما دیگر سلطه‌ی آمریکا روزبه‌روز رو به ضعف است؛ آنچه آمریکا در فلان کشور میخواست تحقق پیدا کند. در نفت، در سلاح، در ارتباطات گوناگون. دیگر بتدریج دارد زایل میشود؛ مقدار زیادی زایل شده، بیشتر از این هم زایل خواهد شد. یک سیاستی را

آمریکا از سالها پیش دنبال میکرد که همان سیاست سلطه‌ی بر منطقه بود، وسیله‌ی عمده‌ی این سیاست هم حمایت از رژیم صهیونیستی بود؛ هرچه بتواند او را قوی کند، دست و بال او را باز کند، دیگران را تشویق کند به اینکه با او ارتباط برقرار کنند. البته این سیاست قدیمی است، مال ده‌ها سال پیش است؛ از یکی دو دهه پیش، این سیاست را تشدید کردند، رفتند سراغ افغانستان، رفتند سراغ عراق و با اشغال اینها میخواستند تسلط پیدا کنند، [اما] نتوانستند. امروز سیاست و جهت‌گیری در این منطقه آمریکازدایی است. یکی از نشانه‌های واضح و بارزی که امروز جلوی چشمهاست، همین طوفان اقصی است. بله، این طوفان اقصی علیه رژیم صهیونیستی است، اما آمریکازدایی است؛ این حادثه‌ی تاریخ‌ساز به معنای واقعی کلمه، حادثه‌ی طوفان اقصی یک حادثه‌ی تاریخ‌ساز بود؛ توانست جدول سیاستهای آمریکا در این منطقه را به هم بریزد و ان شاء الله [اگر] این طوفان ادامه پیدا بکند، جدول سیاست آمریکا در منطقه را محو خواهد کرد. پس یک خصوصیت تغییر نقشه‌ی جغرافیای سیاسی منطقه این بود که آمریکازدایی شروع شده؛ بعضی از کشورهایی که صد درصد تابع سیاست آمریکا بودند، شروع کرده‌اند به زاویه پیدا کردن با آمریکا. که می‌بینید دیگر می‌شنوید. و این ادامه پیدا خواهد کرد.

❖ خصوصیات جغرافیای سیاسی جدید غرب آسیا:

بطلان دوگانه‌های جعلی و تحمیلی آمریکایی و رواج دوگانه‌ی جدید مقاومت و تسلیم

یک خصوصیت دیگر این است که در این منطقه، دوگانه‌های جعلی و تحمیلی درست کرده بودند؛ این دوگانه‌ها به هم ریخت. دوگانه‌ی عرب و غیر عرب، دوگانه‌ی شیعه و سنی؛ افسانه‌ی هلال شیعی - خطر شیوع شیعه در منطقه - یک حرف بی‌ربطی بود که مطرح کردند؛ اینها همه به هم ریخت. در این قضیه‌ی طوفان اقصی و قبل از

طوفان الاقصی، بیشترین کمک را به فلسطینی ها چه کسی کرد؟ شیعه ها کردند؛ شیعه ی لبنان، شیعه ی عراق، شیعه ی عرب، شیعه ی غیر عرب. این دوگانه ها به هم ریخت و به جای این دوگانه های تحمیلی، یک دوگانه ی جدیدی بر منطقه حاکم شده: دوگانه ی مقاومت و تسلیم؛ امروز در این منطقه این دوگانه مطرح است. «مقاومت» یعنی چه؟ «مقاومت» یعنی تسلیم نبودن در مقابل زورگویی و زیاده خواهی و دخالت های آمریکا؛ این مقاومت است. حالا بعضی ها صد درصد مقاومت میکنند، بعضی ها هشتاد درصد، بعضی پنجاه درصد؛ بالاخره جریان و حرکت مقاومت، امروز در منطقه یک جریان واضحی است، و نقطه ی مقابلش «تسلیم» است که خفت بار است، ذلیل کننده ی ملت ها و دولت ها است.

❖ خصوصیات جغرافیای سیاسی جدید غرب آسیا:

حلّ مسئله ی فلسطین با تشکیل حاکمیت فلسطینی در همه ی سرزمین فلسطین

یک خصوصیت دیگری که این نقشه ی جدید منطقه ی ما دارد، حلّ مسئله ی فلسطین است. به توفیق الهی، مسئله ی فلسطین به سمت حل [شدن] دارد حرکت میکند. «حلّ مسئله ی فلسطین» یعنی چه؟ یعنی تشکیل حاکمیت فلسطینی در همه ی سرزمین [فلسطین]. ما طرحمان را مطرح کرده ایم: طرح همه پرسی از فلسطینی ها. البته آنهایی که اشغالگرند حقی ندارند، اما خود فلسطینی ها، چه در سرزمین فلسطین، چه در کشورهای همسایه ی فلسطین داخل اردوگاه ها، چه در جاهای دیگر، هر جا هستند. چندین میلیون فلسطینی هستند. اینها میتوانند نظر بدهند. [همه پرسی] یک منطق دنیا پسند و قابل قبول و متمدّنه برای اداره ی فلسطین است. حالا بعضی ها میگویند «خب این [چیزی را] که شما مطرح میکنید رژیم صهیونیستی قبول نمیکند وزیر بار نمیروند»؛ خب بله، میدانیم زیر بار نمیروند، اما زیر بار رفتن او در اختیار

خودش نیست، دست خودش نیست؛ گاهی یک چیزی را یک دولتی، یک کشوری دوست ندارد، اما به او تحمیل میشود، ناچار میشود. اگر این قضیه دنبال بشود - که ان شاء الله دنبال هم خواهد شد - اگر همین هسته‌های مقاومت اراده‌ی خودشان را، عزم راسخ خودشان را، خواست خودشان را به طور جدی دنبال کنند، این تحقق پیدا خواهد کرد؛ در این تردیدی نیست. پس بنابراین، حلّ مسئله‌ی فلسطین هم یکی از خصوصیات است که این غرب آسیای جدید ان شاء الله به خود خواهد دید. بعضی از این سخنگویان دنیا راجع به نظرات جمهوری اسلامی درباره‌ی منطقه که صحبت میکنند، بدروغ میگویند که «ایران میگوید بایستی یهودی‌ها را یا صهیونیست‌ها را به دریا بریزند»؛ نه، این حرف را قبلها دیگران یا کسانی از عربها گفتند؛ ما هیچ وقت نگفتیم این را؛ ما کسی را به دریا نمیریزیم. ما میگوییم نظر، نظر مردم است؛ آن دولتی که با آراء مردم فلسطین تشکیل شد، درباره‌ی مردمی که آنجا هستند و از کشورهای دیگر آمده‌اند تصمیم‌گیری خواهد کرد؛ ممکن است به همه‌ی آنها بگوید در فلسطین بمانید - کما اینکه در بعضی از کشورهای آفریقا که بنده زمان ریاست جمهوری رفتم آنجا، [مردم] مبارزه کردند و پیروز شدند؛ انگلیسی‌ها آنجا حاکم بودند، بومی‌ها توانستند انگلیسی‌ها را مغلوب کنند، اما همان انگلیسی‌ها را در کشور خودشان نگه داشتند؛ مصلحت دانستند نگه داشتند، اینها هم ممکن است نگه دارند - ممکن هم هست بگویند نه، بعضی بروند یا همه بروند؛ اختیار با آنها است؛ ما هیچ وقت در این زمینه نظری نداریم. خب، حالا این راجع به این مسئله.

❖ **حادثه‌ی طوفان الاقصی؛ حادثه‌ای مهم و بی‌نظیر**

یک کلمه [راجع به طوفان الاقصی] عرض بکنم؛ این طوفان الاقصی، این حادثه‌ی مهم و بی‌نظیری که اتفاق افتاد، هدفها را نزدیک کرد، راه را به سمت این هدفها نزدیک کرد، سهل کرد، کار بزرگی انجام گرفت. رژیم صهیونیستی که اعصابش تگه‌پاره شده بود، خواست با مباران



بیمارستان و مدرسه و جمعیت‌های مردمی و کشتن کودکان، این طوفان را خاموش کند، نتوانست و نخواهد توانست؛ این طوفان با این جنایتها از بین نمی‌رود. در روزنامه‌ها و مطبوعات و مانند اینها دارید می‌خوانید، بنده تکرار نمی‌کنم؛ رژیم صهیونیستی به هیچ کدام از اهداف خودش نرسید، از روی عصبی بودن و عصبانیت افتاد به جان مردم که آن هم فایده‌ای نکرده و نخواهد کرد، بلکه بیشتر بی‌آبرویی برایشان به وجود آورد.

❖ **حادثه‌ی طوفان الاقصی؛ موجب بی‌آبرویی فرهنگ و تمدن غربی**

این حرکت و حشیانه‌ای که رژیم صهیونیستی انجام داد، این حرکت بی‌رحمانه‌ای که انجام داد، نه فقط آبروی خود رژیم صهیونیستی را برد، آبروی آمریکا را هم برد؛ آبروی آمریکا را برد، آبروی تعدادی از این کشورهای معروف اروپایی را برد، بلکه آبروی تمدن و فرهنگ غرب را برد. فرهنگ غرب و تمدن غرب همان تمدنی است که وقتی با بمب فسفوری می‌زنند و پنج هزار کودک را شهید می‌کنند، رئیس فلان کشور می‌ایستد می‌گوید که اسرائیل دارد از خودش دفاع می‌کند! این دفاع از خود است؟ فرهنگ غرب این است؛ در این قضیه فرهنگ غرب بی‌آبرو شد. این فجایعی که در این نزدیک پنجاه روز اتفاق افتاد، فشرده‌ی جنایاتی است که ۷۵ سال است رژیم صهیونیستی دارد در فلسطین انجام می‌دهد؛ حالا الان فشرده‌اش کرد، وَاَلَا در طول این سالها همیشه همین جور کارها را کرده: مردم را بکشد، از خانه‌هایشان بیرون کند، خانه‌ها را ویران کند. همین شهرک‌هایی که ساخته‌اند، کجا ساخته شده؟ شهرک‌های صهیونیستی کجا ساخته شده؟ خانه‌های مردم را خراب کردند، مزرعه‌ی فلسطینی را نابود کردند، شهرک صهیونیستی ساختند. اگر کسی ایستاده، او را کشته‌اند؛ اگر بچه بوده، بچه را کشته‌اند، زن را کشته‌اند؛ این کاری است که ۷۵ سال است دارند انجام می‌دهند. به نظر ما طوفان الاقصی خاموش‌شدنی نیست ان شاء الله، و بدانند که به حول و قوه‌ی الهی این وضع هم ادامه پیدا نخواهد کرد.

♦ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

بصیرت‌افزایی

خب، عرایض من تمام شد، [اما] می‌خواهم چند توصیه به بسیج بکنم. این توصیه‌ها، هم به سازمان بسیج است، هم بعضی از اینها به یکایک افراد بسیج است. توصیه‌ی اوّل: بصیرت‌افزایی کنید؛ هم در خودتان، هم در دیگران. بصیرت مسئله‌ی مهمی است.

♦ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

ابتکار عمل داشتن

توصیه‌ی بعدی: ابتکار عمل را در قضایای مهم، شما به دست بگیرید؛ در زمین دشمن بازی نکنید. اگر بصیرت داشته باشیم، می‌فهمیم که در این قضیه نقشه‌ی دشمن چیست، طبق نقشه‌ی دشمن حرکت نمی‌کنیم؛ به تعبیر رایج، در زمین دشمن بازی نمی‌کنیم.

♦ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

از دست ندادن امید به آینده

توصیه‌ی بعدی: امید به آینده را هرگز از دست ندهید، وسوسه‌ها در شما اثر نکند. دلیل واضح بر اینکه جوان امروز باید همیشه امیدوار باشد این است که کشورش در طول چهل و چند سال، همیشه تحریم بوده، همیشه در محاصره‌ی اقتصادی بوده، این همه پیشرفت کرده. نه فقط [در بخش] تسلیحات - که تلویزیونی شد و همه دیدند - [بلکه] در بخشهای گوناگون کشور، در خدمات، در ایجاد امکانات رفاهی برای بخشهای مختلف مردم، در ارتباطات و اتصالات، در علم، در فناوری، در تولید، پیشرفتهای فوق‌العاده‌ای انجام گرفته؛ این پیشرفتهای در حالی است که دشمن به خیال خودش همه‌ی درهای پیشرفت را روی ما بسته بود؛ تجارت ممنوع، صادرات ممنوع، واردات بسیاری از چیزها ممنوع؛ در این شرایط، کشور پیش رفته. خب در این کشوری که این جور پیشرفت میکند، جایی برای ناامیدی وجود دارد؟ شما میتوانید همه کاری بکنید.

صد برابر آنچه تا حالا پیش رفته ایم، شماها میتوانید پیش بروید، اگر در میدان باشید، اگر تلاش کنید، اگر کار کنید که میکنید.

❖ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

پرهیز از غرور

توصیه‌ی بعدی: از غرور بپرهیزید؛ همان طور که عرض کردم، مغرور نشوید. اینکه «ما این قدر خوبیم، این قدر عزیزیم، این قدر بسیجی هستیم، این قدر تعریفمان را میکنند، امام این جوری گفته، دیگران این جوری گفتند»، شما را مغرور نکند. خدا را شکر کنید که توفیق پیدا کردید، خدا به شما توفیق داده که بسیجی باشید. خدا را شکر کنید، از خدا بخواهید که این نعمت را از شما نگیرد.

❖ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

عدم احساس عجز و ناتوانی از انجام کارهای بزرگ

توصیه‌ی بعدی: هرگز احساس عجز و ناتوانی از کارهای بزرگ نکنید. اگر ما در مقابل یک کاری قرار بگیریم که نمیتوانیم انجامش بدهیم، اگر همت داشته باشیم، صبر داشته باشیم، تلاش داشته باشیم، قطعاً علاج خواهد شد و این کار انجام خواهد گرفت. در مقابل کارهایی که علی‌العجاله نگاه میکنیم می‌بینیم نمیشود انجام داد، علاج همین است که همت بکنیم، صبر لازم را داشته باشیم، شتاب زده نشویم و تلاش هم بکنیم. مطمئناً هر کار بزرگی را میتوانیم انجام بدهیم. هرگز احساس عجز نکنید.

❖ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

پرهیز از کارهای نمایشی

توصیه‌ی بعدی: [همان طور که] قبلاً هم عرض کردیم، از کارهای نمایشی و ویتروینی بدون محتوا پرهیز کنید. بله، داخل جعبه آینه و ویتروین چیزهایی میشود گذاشت، عیبی هم ندارد، گاهی لازم هم هست، اما آن وقتی که یک چیز با معنایی باشد.

❖ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

حفظ امانت بسیج

توصیه‌ی بعدی: این صفتی و سمتی که به شما داده‌اند. یعنی صفت بسیجی، سمت بسیجی. امانت خدا نزد شما است؛ این امانت را قدر بدانید، امین باشید، این امانت را خوب حفظ کنید.

❖ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

پرهیز از دو قطبی‌های کاذب

توصیه‌ی بعدی: از دو قطبی‌های کاذب پرهیزید. در کشور مدام دو قطبی درست میکنند: طرف دار زید، طرف دار عمرو؛ طرف دار فلان فکر، طرف دار [فلان]؛ این حرفها چیست! آن کسانی که مبانی شما را، اصول شما را، دین شما را، انقلاب شما را، ولایت فقیه را، این چیزها را قبول دارند، برادر شما هستند، حالا گیرم یک اختلاف سلیقه‌ای هم باشما داشته باشند. یکی از چیزهایی که انسان واقعاً باید از آن شکوه کند و گله کند، بعضی از اظهارات در این فضای مجازی است؛ سریک چیز بیخود، این به آن می‌پرد، آن به این می‌پرد! پرهیز کنید؛ شما که بسیجی هستید [این کار را] نکنید.

❖ توصیه‌هایی به بسیج و بسیجیان:

استفاده از نیروهای طراح

آخرین توصیه: در کنار نیروهای عملیاتی، نیروهای طراح را هم جذب کنید. تدبیر، فکر، طراحی، جلوتر از شجاعت و مردانگی مورد نیاز و احتیاج است. با تدبیر حرکت بکنید.

آخرین عرض بنده هم این است که به خدای متعال توکل کنید: وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. (۱۷) خداوندان شاء الله همه‌ی شما را محفوظ بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



۱- در ابتدای این دیدار، سردار غلامرضا سلیمانی (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) گزارشی ارائه کرد.

۲- صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)

۳- صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)

۴- صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)

۵- اشاره به سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»

۶- شهید محسن فخری زاده، دانشمند هسته‌ای و دفاعی کشور، که در هفتم آذر سال ۱۳۹۹ در منطقه‌ی آبسرد ماوند به شهادت رسید.

۷- آقای سعید کاظمی آشتیانی، از دانشمندان و مدیران برجسته‌ی طراز انقلاب اسلامی و از پیش‌تازان و جهادگران در نوآوری‌های علوم زیستی و رئیس پژوهشکده‌ی رویان جهاد دانشگاهی بود. در دوره‌ی مدیریتی او، ایران توانست به موفقیت‌های چشمگیری همچون گسترش روش‌های پیشرفته‌ی درمان ناباروری، تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی و همانندسازی حیوانات دست یابد.

۸- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۴۰۱/۲/۶)

۹- سردار غلامرضا سلیمانی (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) ضمن بیان گزارشی از آخرین اقدامات این سازمان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و علمی، «جهاد تبیین» و «جهاد خدمت» و «جهاد امیدآفرینی» را سه رویکرد اصلی بسیجیان برشمرد و بر آمادگی این نیرو برای مقابله با هرگونه تهدید علیه کشور و مبارزه با جنایات رژیم صهیونیستی تأکید کرد.

۱۰- دعای بیستم

۱۱- صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۹۵؛ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته‌ی بسیج (۱۳۶۷/۹/۲)

۱۲- انوری. دیوان اشعار، قصاید (بانندگی تفاوت)

۱۳- رالف پیترز (سرهنرنگ بازنشسته‌ی آکادمی ملی جنگ آمریکا) در مقاله‌ای با عنوان «مرزهای خونین» که در ژوئن ۲۰۰۶ در مجله‌ی نیروهای مسلح این کشور منتشر شد، نقشه‌ی جدیدی از مرزها در غرب آسیا را با عنوان «خاورمیانه‌ی جدید» ارائه کرد و تغییرات سخت در این منطقه را در ده‌های ضروری مردم برای رسیدن به صلح و آرامش برشمرد. این عبارت زمانی به جای «خاورمیانه‌ی بزرگ» پرسرزبانها افتاد که کاندولیزا رایس (وزیر امور خارجه‌ی وقت آمریکا) در روز ۲۱ ژوئیه در تلاویو، حمله‌ی رژیم صهیونیستی به لبنان در جریان جنگ سی و سه روزه را «دردزایمان تولد خاورمیانه‌ی جدید» توصیف کرد و افزود ماهرکاری میکنیم باید مطمئن باشیم که فشاری به سمت یک خاورمیانه‌ی جدید باشد نه بازگشت به خاورمیانه‌ی قدیم.

۱۴- جی گارنر

۱۵- پل برمر

۱۶- غازی مشعل عجیل الیاور

۱۷- سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌ی ۳؛ «... و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است...»



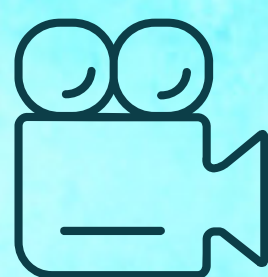
بیانات رهبرانقلاب در دیدار بسیجیان | ۱۴۰۲/۹/۸



گزارش تصویری



صوت



فیلم کامل



متن بیانات